

به نام خداوند بخشنده مهربان

○ شهرام تقی زاده انصاری



اشاره:

پروفسور شimmel در هفتم آوریل ۱۹۲۲ در شهر ارفورت آلمان به دنیا آمد. از نوجوانی به آموختن زبان‌های شرقی علاقه داشت. در پانزده سالگی زبان عربی را آموخت و در شانزده سالگی دیپلم دبیرستان را گرفت و بلافاصله در دانشگاه برلین به تحصیل در زبان و ادبیات عربی و علوم اسلامی مشغول شد و در نوزده سالگی درجه دکترا را اخذ کرد. سال‌ها در دانشگاه ماربورگ مشغول به تدریس بود و در سال ۱۹۵۱ در همان دانشگاه دوره دکترای تاریخ ادیان را به پایان رسانید. او از سال ۱۹۵۶ به بعد ضمن تدریس در دانشگاه آنکارا به وسعت دانش خود افزود. از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۷ استاد زبان عربی و علوم اسلامی دانشگاه بن بود و در سال ۱۹۶۷ استاد دانشگاه هاروارد شد و چند سال بعد کرسی تدریس تاریخ ادیان خاوری را به دست گرفت.

شimmel به سبب مطالعات و تحقیقات و تألیفات خود از دانشگاه‌های اسلام آباد و پیشاور و افسالا و قونیه و تهران دکترای افتخاری دریافت کرد. او عضویت آکادمی‌های مختلف را داشت و مدال‌های ذیل را اخذ کرد: جایزه فریدریش روکرت آلمان، نشان ستاره قائد اعظم پاکستان، مدال طلای هامر - پورگشتال اتریش جایزه یوهان هاینریش فوس آلمان، نشان درجه اول بوندس فردنیتس کروتسین آلمان، مدال لووی دلاویدا، جایزه لنوولدلوکاس، جایزه صلح اتحادیه ناشران و کتابفروشان آلمان. شimmel به چهار زبان آلمانی، فرانسه، ترکی و انگلیسی می‌نوشت و با چندین زبان دیگر اروپایی و آسیایی آشنایی داشت. او محقق پرکار و عاشق بود.

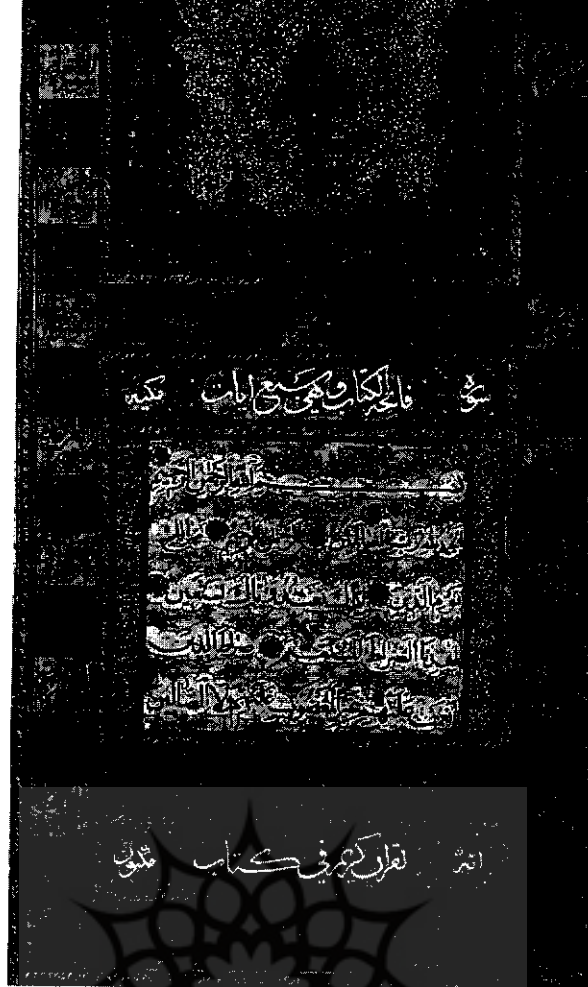
کتاب زیر از او به فارسی ترجمه شده است: سیره ابن خفیف شیرازی، خوشنویسی اسلامی هند، ابعاد عرفانی اسلام، درآمدی بر اسلام، شکوه شمس، نام‌های ایرانی، تبیین آیات الهی، من بادم و تو آتش، زن در عرفان اسلامی، محمد پیامبر.

شimmel حدود ۱۱۳ جلد کتاب دارد که به بعضی از کتب مهم آن اشاره می‌شود: ستاره و گل، تحقیقی در جاویدنامه، اقبال لاهوری، زندگی مولانا، تصوف، رمز اعداد، روح من زن است، شعر جهانی اُستی جهانی است، عیسی و مریم در عرفان اسلامی، تماس‌های شرق و غرب، اسلام، حکمت اسلام، از سنایی تا مولوی و اقبال، به نام خداوند بخشنده مهربان. آنه ماری شimmel سوم بهمن ۱۳۸۱ در شهر بن از دنیا رفت.

به نام خداوند بخشنده مهربان را پرفسور شimmel در سال ۱۹۹۹ میلادی به نگارش درآورده است. یکی از ویژگی‌های کتاب سادگی آن است که آن را برای افراد مبتدی قابل فهم می‌سازد. شimmel بر آن بوده است تا اشتباهات غیرمسلمانان را برطرف و سوءتفاهم‌های ایجاد شده را رفع کند. مطالب کتاب به صورت گفت‌وگو نوشته شده است تا برای خواننده جذاب باشد و این ویژگی دوم کتاب است. ویژگی سوم کتاب این است که در هر فصل با بهره‌گیری از متون اساسی اسلام، ادبیات و تاریخ شواهدی نقل شده است. با این همه نباید نادیده گرفت که دیدگاه مسیحی شimmel به رسوخ اشتباهاتی در متن انجامیده مانند اختلاف اساسی بین شیعه و سنی و داستان مسیح و یا مفهوم اصول‌گرایی و سنت‌گرایی. کتاب به نام خداوند بخشنده مهربان در شانزده فصل تنظیم شده است که به بررسی مطالب این فصل‌ها می‌پردازیم.

فصل اول: اسلام

نویسنده این فصل را با تعریف «اسلام» به معنای صلح و تسلیم به خداوند آغاز می‌کند و نشان می‌دهد که برخلاف مسیحیت، پیامبر اسلام



ساخت بناهای زیبا چون تاج محل اشاره می‌کند. پایان این فصل از عصر صفوی در ایران، رسمی شدن مذهب شیعه و کسب جایگاه ویژه ایران در میان دولت عثمانی و دولت‌های هندی، ورود اسلام به چین و افریقا از طریق تجار و عرفا و ظهور مسلمانان در اروپا سخن می‌گوید.

فقط مروج پیام خداوندی است. سپس به تعریف «شهادتین» می‌پردازد و می‌گوید کسی که به وحدانیت خداوند و پیامبری محمد (ص) شهادت دهد مسلمان است. ولی مسلمان واقعی کسی است که به دستورات کتاب خداوند یعنی قرآن عمل کند به خصوص نماز بخواند، روزه بگیرد، زکات بدهد و به حج برود. سپس به خصوصیات

مؤمن واقعی و ارزش احسان و نیکی در اسلام می‌پردازد و نقش «امام» در اسلام را تشریح می‌کند. سپس به توضیح اصول گرایي و سنت‌گرایی می‌پردازد. به نظر شیمیل، مسلمانان بیشتر سنت‌گرا هستند تا اصول‌گرا و چون اسلام مخالف بی‌کاری، ظلم، بی‌سوادی و مادی‌گرایی است، در کشورهای اسلامی حرکت‌های سیاسی پیدا می‌شود که بعضی آنها را تروریستی می‌نامند. سپس به تعریف «جهاد» یعنی جنگ در راه اسلام می‌پردازد که پیامبر اسلام یا امام رهبری آن را به عهده دارند.

به نظر مؤلف، تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام به دقت مطالعه نشده است و عمر شرق‌شناسی نیز بیش از ۲۰۰ سال نیست. بنابراین نمی‌توان درباره شیوع و رشد اسلام در دنیا نظر نهایی داد. وی سپس زندگی پیامبر اسلام و تاریخ اسلام را بررسی می‌کند و از پیشرفت اسلام در سراسر آسیا، افریقا و اسپانیا، حکومت خلفا و حضرت علی (ع)، قیام امام حسین (ع) و واقعه عاشورا سخن می‌گوید. دوران شکوفایی تمدن اسلام موضوع بعدی است. در این دوران علوم طبیعی، پزشکی، ریاضیات و علوم انسانی از یونان به سرزمین‌های اسلامی وارد شد، به سرعت پیشرفت کرد و سپس به اروپا منتقل شد. نویسنده به تساوی تقریبی حقوق زنان با مردان و نفوذ زنان در دوره مغول اشاره می‌کند و از روز که در هند و مصر به وزارت رسیدند، نام می‌برد. وی در گذر به دوره مغول از علاقه تیمور به هنر و ادبیات سخن می‌گوید و به گفت‌وگویی وی با ابن‌خلدون اشاره دارد. همچنین از الغیبگ نوه تیمور، که منجمی تراز اول بود نام می‌برد.

اواخر این فصل به معماری و هنرهای اسلامی مثل نقاشی، مینیاتور و کارهای دستی اختصاص دارد. مؤلف به تاثیر ریاضی‌دانان اسلامی در

فصل دوم: خدا

خانم شیمیل در فصل دوم درباره خداوند و فرق آن با الله، اراده خداوند، نزدیکی او به انسان، صفات او، جبرگرایی، مفهوم خداوند، وجود خداوند، بخشش خداوند و عرفان، به تفصیل بحث می‌کند. در زبان عربی «الله» یعنی خداوند و این نامی است که در قرآن مجید برای خداوند به کار برده شده است. اما مسیحیان عرب نیز از این نام در ترجمه کتاب مقدس و در دعا استفاده می‌کنند. به همین دلیل شیمیل ترجیح می‌دهد به جای به کار بردن کلمه الله، آن را به «خداوند» ترجمه کند؛ هرچند بسیاری از مسلمانان کلمه الله را نام خاص خداوند می‌دانند که در قرآن مجید به کار رفته است. شیمیل سپس به اشارات قرآن به خداوند می‌پردازد که او را خالق همه چیز معرفی می‌کند (سوره ۲ آیه ۱۱۷)؛ او دیده نمی‌شود و دیده‌ها به او نمی‌رسند (سوره ۶ آیه ۱۰۳)؛ پادشاه زمین و آسمان است (سوره ۲ آیه ۲۵۵)؛ اما با وجود این از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است. (سوره ۵۰ آیه ۱۶).

در این فصل به نام‌های زیبایی که برای خداوند به کار رفته نیز اشاره شده است. حدود ۹۹ نام در قرآن برای خداوند به کار رفته هرکدام مشخصه صفت بارزی از خداوند است، صفاتی چون رحمان و رحیم بودن، یگانگی مطلق، قدرت مطلق، عشق، خوبی، زیبایی، بخشندگی عزت یا ذلت، اعطاکندگی زندگی و مرگ و مانند آن اما او را نمی‌توان با خصوصیت‌های انسانی وصف کرد. چنانچه در سوره حمد می‌گوید: «او نه می‌زاید و نه زاینده می‌شود». خداوند به خواست خود خلق می‌کند و آنچه که قانون

شیمیل می‌نویسد برای درک فرهنگ اسلام در کل باید ابتدا قرآن را شناخت. در قرآن برخلاف کتاب مقدس، مهم‌ترین مسئله پیامبر نیست بلکه کلام خداوند است. در مسیحیت لوگوس (کلمه) به انسان تبدیل شده است در حالی که در اسلام کلام الهی به کتاب تبدیل شده است و به همین سبب نباید به آن بی‌احترامی کرد. انکار قرآن در اسلام مثل انکار مسیح در مسیحیت است. سپس اضافه می‌کند که پیشرفت زمان و علم به فهم مطالب قرآن کمک می‌کند. برای مثال مسلمانان برای تعیین قبله یا مسائلی که به دانش ریاضیات نیاز دارد ناگزیر ریاضیات و نجوم آموختند. بسیاری از مسلمانان نوگرا کوشیده‌اند با استخراج مسائل علمی روز از قرآن نشان دهند که علم و دین به موازات یکدیگر در حال پیشرفت‌اند. نویسنده سپس به پیچیده بودن و وسعت مطالب قرآن و دیدگاه گروه‌های مختلف مذهبی و عرفانی اشاره می‌کند که به تفاسیر گوناگون از قرآن انجامیده است. به گفته پیامبر اسلام قرآن هفت بطن دارد و به این دلیل فهم آن بسیار مشکل است. شیمیل سپس اشعاری از مولوی را درباره بطن‌های مختلف قرآن نقل و تفسیر می‌کند.

جریان‌های مختلف فلسفی و تفسیر آنها از قرآن و تاثیر متقابل مسلمانان و دنیای غرب مطالب بعدی این فصل را تشکیل می‌دهد. به نوشته شیمیل حتی بعضی از مسلمانان و اروپایی‌ها در قرن نوزدهم می‌خواستند ریشه عرفان و تصوف را در قرآن پیدا کنند. اکنون نیز بسیاری از آنان سعی دارند ریشه‌های مسائلی مثل فیزیک اتمی یا علوم محیط زیستی و امثال آن را در قرآن پیدا کنند. بسیاری از گفته‌های قرآن در شرایط امروز کاربرد دارد. برای مثال خداوند در سوره اعراف آیه ۵۶ می‌گوید در روی زمین فساد نکنید و نظم آن را بر هم نزنید. آیا نمی‌توان از این گفته در علوم مربوط به محیط زیست استفاده کرد؟

فصل چهارم: حضرت محمد پیامبر اسلام

در این فصل که به بررسی زندگی و شخصیت پیامبر اسلام اختصاص دارد، نویسنده نخست به عدم وفات نوشته‌های برخی از نویسندگان و روحانیان مسیحی اروپا درباره پیامبر اسلام اشاره می‌کند. سپس مترجمان صادق قرآن و نویسندگان واثق و معتبر درباره اسلام و پیامبر اسلام را معرفی می‌کند. آنگاه به زندگی‌نامه پیامبر، تولد و تربیت او نزد عمویش ابوطالب، امانت‌داری وی، ازدواج با خدیجه (ع)، رفتن به غار حرا و گرفتن وحی می‌پردازد. او می‌نویسد: «پیامبر اسلام وظیفه خود را راهنمایی مسلمانان و نشان دادن راه راست می‌دانست و نه ترساندن آنها از عذاب جهنم.»

همچنین نویسنده در اشاره به زنان پیامبر پس از مرگ خدیجه توضیح می‌دهد که بیشتر زنان پیامبر مطلقه بودند و فقط عایشه، دختر ابوبکر، جوان بود. به علاوه این ازدواج‌ها به هیچ‌وجه جنبه شهوانی نداشت و در اغلب آنها مسائل سیاسی و اجتماعی و کمک به محرومان قابل مشاهده است. نویسنده راه پیامبر اسلام را همان راه پیامبران گذشته می‌داند که کامل‌تر شده است. وی در اشاره به اخلاق و عرفان اسلامی، به تلاش پیامبر برای اجرای یکسان عدالت، ایجاد وحدت و اصلاح جامعه

طبیعت می‌دانییم، از نظر فلسفه الهی مسلمانان «سنت خداوندی» نامیده می‌شود که او هر لحظه می‌تواند آن را تغییر دهد. آتش خودش نمی‌سوزد بلکه به اراده خداوند می‌سوزد. به این دلیل «معجزه» چیزی است که سنت خداوندی نامیده می‌شود.

در این فصل، سپس به دلایل وجود رنج و ناراحتی و سرکشی انسان، داستان حضرت یعقوب، شناخت اراده خداوند، شناخت عدالت خداوند، پرداخته و اشاره می‌شود که ایمان به یک سرنوشت یعنی، آن چیزی نیست که انسانها را به تنبلی رهبری می‌کند، همان‌طور که اکثراً فکر می‌کنند، بلکه قبول ارادی حوادث است انسان حتی در بدترین شرایط هم سعی می‌کند اراده خداوند را بشناسد نه اینکه با او مبارزه کند، چون از او سؤال نمی‌شود که چه کار می‌کند (سوره ۲۱ آیه ۲۴).

مفهوم خداوند طبیعی است که مسلمانها هم در طول قرنهای اخیر سعی کردند معنی بهتری از مفهوم خداوند ارائه کنند. نویسنده سعی کرده است نشان دهد که عدالت خداوند همان است که در قرآن معرفی شده است. فلاسفه دو راه را برای معنی کردن وجود خداوند مطرح می‌سازند: تشبیه و تنزیه. تشبیه یعنی تصور آنکه خداوند شبیه مخلوقات خود است. تنزیه یعنی هیچ تشابهی میان خداوند و مخلوقات او وجود ندارد. شیمیل سپس به عقیده مسلمانان درباره حضور همیشگی خداوند، لذت‌گرایی نسبی در اسلام، توبه و بخشندگی خداوند، رد عقاید زنوزی، تصورات عرفانی درباره خداوند و پرستش او از روی عشق و ذکر نمونه‌هایی از ادبیات عرفانی می‌پردازد.

فصل سوم: قرآن

به نظر نویسنده ترجمه واقعی قرآن امکان ندارد. زیرا در زبان عربی لغت و معنی درهم‌آمیخته است به علاوه هر لغت در زبان عربی دارای معانی متفاوتی است و بسته به کاربرد آن، معنای خاصی می‌دهد. به دلیل چندبعدی بودن قرآن، مسلمانان فقط قرآن را به زبان عربی قرائت می‌کنند و آن را از حفظ دارند. قرآن گنجینه‌ای است که نمی‌توان به کنه آن پی برد. به نوشته شیمیل: «خداوند می‌گوید کسی که قرآن را قرائت می‌کند مثل این است که با من صحبت می‌کند یعنی قاری یک رابطه درونی احساس می‌کند». سپس به رقت و آمد و مراقبه پیامبر در غار حرا، سخن گفتن جبرئیل و چگونگی وحی قرآن مجید می‌نویسد. محور گفتار خداوند با پیامبر درباره زشتی گناه، عدالت داشتن، اعمال صالح، خدمت به مستمندان و وحدانیت خداوند بود. نویسنده سپس درباره رابطه خداوند با جهان و انسان و واقعه روز رستاخیز، با اشاره به مفهوم بهار در ادبیات شرقی، سخن می‌گوید.

گردآوری و محافظت از قرآن بحث بعدی است. لغات عربی قدیم بدون نقطه‌گذاری بود، ولی برای اینکه قرآن دست نخورده بماند نقطه‌گذاری به زبان عربی وارد شد. برای ماندگاری قرآن آن را روی پوست حیوانات یا کاغذهای پایپروس می‌نوشتند. همچنین نویسنده به گردآوری قرآن توسط عمر، معنی سوره الفاتحه و سوره‌های اوایل قرآن، هنر خوشنویسی در اسلام و نگهداری قرآن در موزه‌ها اشاره می‌کند.

و افراد سخن می‌گوید و به رفتار پیامبر با مردم و زناش، قرآن معجزه پیامبر، معراج پیامبر و تصویرسازی هنرمندان اسلامی از این سفر اشاره می‌کند. در پایان این فصل مفاهیمی از قبیل «سید» و معصوم بودن پیامبر شرح داده می‌شود.

فصل پنجم: ایمان

نویسنده در این فصل به تعریف ایمان در اسلام می‌پردازد و با توجه به آیه ۲۸۵ سوره بقره می‌نویسد: «مومن در اسلام باید به وحدانیت خداوند و کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی و روز رستاخیز ایمان داشته باشد و به دستورات عبادی، اخلاقی، تربیتی و غیره عمل کند و دنبال اعمال صالح باشد». مسلمانان پیروان ادیان مسیحیت، یهود و صابئین را اهل کتاب می‌گویند. خداوند در قرآن اهمیت ویژه‌ای به اهل کتاب داده است و پیامبران را حامل وحی معرفی می‌کند و دستوره‌های این کتب الهی را یکی می‌داند. اما دستورات قرآن چون آخرین کتاب الهی است کاملترین آنهاست. انجیل و تورات تحریف شده است، در حالی که تمام قرآن وحی منزل است و اشتباهی در آن وجود ندارد و کسی هم حق انتقاد به آن را ندارد. وی سپس به داستان زندگانی پیامبران از جمله آدم و حوا، ابراهیم خلیل، حضرت موسی و حضرت مسیح اشاره می‌کند و دیدگاه اسلام درباره آنان را شرح دهد. نویسنده در ادامه به مباحثی چون غسل، وضع روحانی، روز رستاخیز، خیر و شر، جبر و اختیار، اراده داشتن و مسئول بودن انسان در اسلام می‌پردازد. در پایان مفهوم «شهادت» و انواع آن و چگونگی سؤال و جواب در دنیای دیگر بررسی می‌شود.

فصل ششم: نماز

نویسنده نماز را برقراری ارتباط با خداوند تعریف می‌کند. وی در این فصل انواع نمازها مثل نمازهای واجب یومیه شب نافله، مسافر، باران، آیات، میت، جماعت و شرایط و آداب نمازگزار و اوقات نماز را شرح می‌دهد. وی سپس به معنای اذان، انواع غسل‌ها و طهارت گرفتن، حجاب زنان، لباس پوشیدن مردها، مساجد، معماری و چگونگی نیایش و برگزاری مراسم گوناگون در آنها، دعاهای مسلمانان و شباهت‌های آن با دعاهای مسیحیت و بحث در عرفان اسلامی و ذکر می‌پردازد.

فصل هفتم: روزه

نویسنده در این فصل درباره اهمیت و معنای روزه و آداب به جای آوردن آن و اعمال دیگری که یک مسلمان باید انجام دهد یا از آن اجتناب کند، توضیحاتی می‌دهد. او درباره اهمیت و آداب روزه و ماه رمضان، شب قدر، مراسم افطار، عیدفطر، تعیین اوقات شرعی در این ماه و همچنین تعیین روز عیدفطر سخن می‌گوید.

در پایان این فصل درباره زکات فطره و طرق تقسیم آن بین مستمندان و فقرا و ارزش اجتماعی و معنوی آن توضیح می‌دهد. او اضافه می‌کند مسلمانان با اینکه در این ماه روزه دارند از مهمانان، مسلمان یا غیرمسلمان، پذیرایی می‌کنند.

فصل هشتم: حج

نویسنده در این فصل درباره تاریخ و بنای کعبه به وسیله حضرت ابراهیم (ع) سخن می‌گوید. سپس درباره مراسم حج، حج تمتع، حج عمره، اهمیت حج و اعمال حج توضیحاتی می‌دهد. از جمله به احرام بستن، طواف، مقام ابراهیم، سعی بین صفا و مروه، تقصیر، وقوف در عرفات، وقوف در مشعر، معنی رمی جمره و قربانی کردن اشاره می‌کند. ضمناً یادآوری می‌شود که قربانی کردن حدود یک میلیون گوسفند در مراسم حج کار دشواری است، اما فقها با پرداخت وجه آن به فقرا موافقت نکرده‌اند.

نویسنده در پایان این فصل از آثار ارزشمند حج از جمله ایجاد حرکت‌های فکری و اجتماعی در جوامع اسلامی سخن می‌گوید. وی از اشتیاق مسلمانان به زیارت قبر پیامبر در شهر مدینه یاد می‌کند.

فصل نهم: اهل سنت و شیعه

نویسنده در این فصل بر آن است که سیر تاریخی پیدایش مذاهب سنی و شیعه را بعد از فوت پیامبر اسلام (ص) توضیح دهد. او به انتخاب ابوبکر از طرف مردم، خدمات عمر خلیفه دوم در زمینه گردآوری قرآن مجید و اجرای بسیاری از قوانین اسلام، زندگی و خلافت عثمان و شکل گرفتن مذهب شیعه اشاره می‌کند.

سپس درباره جنگ صفین و نیرنگ معاویه برای غلبه بر علی (ع)، ظهور خوارج، نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) بر یزید توضیح می‌دهد و شهادت امام حسین (ع) را مرکز ایمان شیعیان می‌داند. وی تأکید می‌کند که بسیاری از کتاب‌های تاریخی و مذهبی حادثه عاشورا را بزرگ‌ترین رویداد تاریخ جهان دانسته‌اند. شهادت امام حسین (ع) الگویی برای از خودگذشتگی و ایثار در راه خدا شده چنانچه الگوی جوانان شیعه ایرانی در جنگ ایران با عراق بوده است. نویسنده سپس به زندگانی دوازده امام شیعی و به خصوص فرقه هفت امامی‌ها، غیبت امام زمان (عج) و انتظار ظهور او اشاره می‌کند. او سپس درباره اختلافات شیعی و سنی سخن می‌گوید؛ از جمله جهاد در فقه شیعه از عهد صفویه به بعد، چگونگی انتخاب خلیفه مسلمانان و نام بردن از علی در اذان شیعیان و اختلافات فقهی.

شیمل در پایان این فصل به آقاخان، حسن صباح، قلعه الموت، فرقه اسماعیلیان، دانشگاه الازهر و چهار فقه سنی اشاره دارد. و تراکم پیروان شیعه و سنی را در دنیای اسلام بررسی می‌کند.

فصل دهم: شریعت

نویسنده در این فصل به شریعت و قانون اساسی در کشورهای اسلامی و تطابق آن با قوانین شریعت اسلام می‌پردازد. وی درباره مفهوم شریعت در اسلام می‌نویسد: «شریعت یعنی راه راست. یعنی تمام قوانینی که در قرآن برای مسلمانان وجود دارد و مسلمانان باید به آن عمل کنند که خود شامل دستورات اعتقادی، عبادی، اخلاقی، حقوقی و مانند آن

خوارزمی و خیام و بیرونی و پزشکی ابن سینا و رازی و ابن خلدون و شرح ابن رشد بر کتب فلسفی ارسطو و آثار فلسفی ابن سیناست که از فرهنگ اسلامی نشأت گرفته است. شیمیل می‌نویسد: «این انتقال علوم توسط مسلمانان به اروپا به دانشمندان غربی کمک کرد تا با تکنولوژی مدرن به برتری علمی بر خاورمیانه دست پیدا کنند. ما اروپایی‌ها نمی‌توانستیم بدون کمک مسلمانان به گنجینه علمی و فلسفی یونانیان دسترسی پیدا کنیم».

نویسنده در پایان به سهم ابن خلدون، جامعه‌شناس اسلامی، در فرهنگ اروپا و فلسفه ملاصدرا اشاره می‌کند و اقبال لاهوری فیلسوف و مصلح مسلمان پاکستانی را که در اروپا در رشته حقوق و فلسفه تحصیل کرده است و آشنایی زیادی با فلسفه غرب و فلسفه هگل و نیچه و انیشتن و برگستون و گوته دارد، فیلسوفی مصلح و روشنفکر معرفی می‌کند. وی همچنین اضافه می‌کند که چه در غرب و چه در شرق فلاسفه مسلمان جوانی وجود دارند که تفسیر جدیدی از اسلام ارائه می‌دهند.

فصل دوازدهم: عرفان

نویسنده در این فصل به تاریخ پیدایش عرفان و تصوف در اسلام می‌پردازد. وی پس از بررسی ریشه واژه تصوف و معناشناسی آن به مفهوم دیگر عرفان اسلامی یعنی «فقر» می‌پردازد که از حدیث پیامبر اسلام (ص) گرفته شده است که می‌گوید: «الفقر فخری» (فقر افتخار من است). سپس به شرح زندگی رابعه عدویه (متوفی ۸۰۱ م) از زنان عارف و زاهد می‌پردازد که بیان عرفانی او در بیشتر اشعار عرفانی فارسی و ترکی دیده می‌شود. سپس زندگی و افکار غزالی را بررسی می‌کند که در کتاب احیاء علوم الدین وظایف مؤمن را درباره عبادات و عادات به نگارش درآورده است. شیمیل سپس به تنوع دیدگاه و روش عرفا، مانند عطار و سنایی و مولوی، اشاره می‌کند. او می‌نویسد: «عرفا با در نظر گرفتن مفهوم آیه ۲۸ سوره ۱۳ که می‌گوید، ذکر خداوند قلب مؤمن را آرامش می‌دهد، هرچه بیشتر به قرائت قرآن و مناجات با خداوند می‌پرداختند و روزه می‌گرفتند تا نور خداوند در قلب آنها بتابد».

نویسنده در این فصل به آموختن عرفان گونه از طریق ترجمه اشعار حلاج، نظریه‌های متفاوت عرفا از قبیل حق مطلق دانستن خداوند و نظریه قداست و نظریات ابن عربی اشاره می‌کند. سپس درباره شکوفایی عرفان در اسلام، غزلیات عرفانی اسلامی در ایران و به ویژه اشعار مولوی سخن می‌گوید که سرشار از نصایح، حکمت‌ها و طنز است. سپس به شرح زندگی و تحصیل صوفیان قدیم تحت نظر شیخ یا پیر خود، مکتب عرفانی قادریان و سهروردی، موسیقی عرفانی و سماع درویشان و حضور زنان در این جلسات، زبان قومی و ادبی و ذکر نمونه‌هایی از اشعار اقوام مختلف می‌پردازد.

فصل سیزدهم: زندگی روزمره

نویسنده در این فصل آداب و رسوم مسلمانان را از هنگام تولد شرح

است. «نویسنده در ادامه به سیر تکاملی شریعت در اسلام اشاره می‌کند که در این فرآیند دانشمندان اسلامی در اعصار گوناگون برای مسائل روزآمد زمان خود راه حل‌هایی یافته‌اند. آنان به این منظور سه منبع اصلی قرآن، سنت پیامبر (ص) و اجماع را در نظر دارند. البته فقه شیعه علاوه بر این سه منبع اصلی از دستورات امامان خود و اجماع نیز بهره می‌گیرد. اجتهاد، نزد شیعیان دارای اهمیت خاصی است.

مجتهد در شیعه کسی است که با در نظر گرفتن قواعد و اصول، حکم شرعی را استنباط کند. نویسنده سپس چهار مکتب فقهی، حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی در مذهب سنی را توضیح می‌دهد و کشورهای را که حوزه نفوذ این مکاتب‌اند نام می‌برد. وی یادآور می‌شود که قوانین فقه شیعه درباره نکاح، حقوق زنان و حقوق جزا، بر قوانین فقه سنی رجحان دارد. سپس درباره علل متحد نشدن این مکاتب سخن می‌گوید. در ادامه آزاد بودن اجرای آیین مذهبی برای پیروان مذاهب دیگر در کشورهای اسلامی و جزیه دادن اهل کتاب، آموزش اسلامی، بهره‌گیری کشورهای اسلامی از تخصص متخصصان غیرمسلمان، مدارس عالی و کتابخانه‌های بزرگ اسلامی در بغداد و نظامیه و تحقیقات ارزشمند آنها، ساختار حکومت در اسلام و جدا بودن دین از سیاست به ویژه در نظام فعلی کشور ایران و مخالفان این ساختار حکومتی بررسی می‌شود.

فصل یازدهم: دکماتیسیم و فلسفه

نویسنده در این فصل به شیوایی و با آوردن مثال‌هایی از زندگی روزانه، رابطه خداوند و انسان و جهان و معجزه را بیان می‌کند. او با در نظر گرفتن تعلق اراده خداوند به همه چیز و وجود او در همه جا نشان می‌دهد که در عین حکمفرمایی قانون «علیت» در جهان، اراده خداوند می‌تواند به روی دادن معجزه بیانجامد. او می‌نویسد: «مسئله مهم در فلسفه اسلامی این است که بفهمیم آزادی اراده یعنی چه و چطور خداوند از پیش آینده را تعیین می‌کند. زیرا این مسائل پایه فلسفه اسلامی است». سپس وی با اشاره به ماجرای جنگ صفین دلایل حضرت علی (ع) را در پذیرفتن مسئله حکمیت بررسی می‌کند.

آنگاه به دو گروه فلسفی در اسلام، جبریه و قدریه، اشاره می‌کند. گروه نخست به آزاد نبودن بنده در افعال خود و گروه دوم به آزادی و اراده داشتن بنده در کلیه افعالش اعتقاد دارند. گروه معتزله و اشعری نیز تأثیر به سزایی در فلسفه اسلامی داشتند. وی اضافه می‌کند: «معتزله در فلسفه شیعه تأثیر گذاشت. دو اصل مهم آنها عدالت و توحید است. آنها معتقدند خداوند عادل مطلق است اما عدالت او براساس معیار انسان سنجیده می‌شود و دیگر این که خداوند یکتاست». سپس درباره اصول فلسفه یونان و تأثیر آن در فلسفه اسلامی که ریشه در فلسفه یونان دارد، سخن می‌گوید. مسلمانان در دارالحکمة مأمون آثار فلسفی و علمی یونان را به زبان عربی ترجمه کردند و در شکوفایی علم و فلسفه در اسلام کوشیدند. آنان این آثار مهم فلسفی و علمی و پزشکی را تکمیل و از طریق اسپانیا به اروپا منتقل کردند. تاریخ علم نشان می‌دهد که اصول اساسی علوم جدید، همین آثار دانشمندان اسلامی از قبیل ریاضیات

به مردم یاد می‌داد که مانند مسلمانان هر اثری را با نام خداوند شروع کنند.

فصل پانزدهم: ادبیات

نویسنده در این فصل از متون ادبی شرقی که از زبان‌های عربی، فارسی، اردو، بنگالی، پنجابی و پشتو به زبان‌های اروپایی و آلمانی ترجمه شده و اهمیت و زیبایی این آثار سخن می‌گوید. او با آوردن اشعاری از رحمان بابا و اشعار ملی بنگالی و افریقایی، زیبایی و موزون بودن آنها را به تصویر می‌کشد. در ادبیات کلاسیک شرق، اشعار و نثرهای قدیمی عربی شاهکار به شمار می‌رود. وی همچنین از فرهنگ ایرانی، هندی و پاکستانی و تلاش آنان برای حفظ زبان عربی که زبان قرآن است سخن می‌گوید و در ضمن به ادبیات خاص کشورهای اسلامی نیز اشاره می‌کند. درباره ادبیات فارسی از شاهنامه، مثنوی سنایی و عطار و مولوی، داستان‌های عاشقانه نظامی چون لیلی و مجنون و خسرو و شیرین نام می‌برد. سپس به سیر روند شکل‌گیری اشعار ترکی، هندی و فارسی و روابط بین آنها می‌پردازد و نشان می‌دهد که چرا ترجمه اشعار شرقی به زبان‌های اروپایی مشکل است. در پایان، اثر استعمار در فرهنگ اسلامی و شرقی به بحث گذاشته می‌شود که چرا ادبیات زیبا و پرمعنی اسلامی و شرقی جای خود را به ادبیات و شعر نو و داستان‌های کوتاه داد.

فصل شانزدهم: هنر

در این فصل، نویسنده به هنر در کشورهای اسلامی می‌پردازد و در این میان از فرش‌های ایرانی و تصاویر پیامبر بر روی آن‌ها، نقاشی‌های مینیاتور در موزه‌های اروپا و معنای این نقاشی‌ها سخن می‌گوید. سپس از نخستین تابلوهای دیواری که در زمان امویان در سال ۷۰۰ میلادی کشیده شده است یاد می‌کند. او از گسترش هنر تزیین کتاب و کشیدن تصاویر علمی و پزشکی، رشد هنر نقاشی کتاب در ایران با نقاشی‌های داستان‌های شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی، نقاشی‌های بسیار ظریف طلاکوبی شده در دوره مغول، نقاشی هنرمندان هندی از طبیعت، تصویر بی‌نظیر مینیاتوری پیامبر اسلام (ص) بر روی براق در ۱۵۳۵ اثر سلطان محمد در ایران، نقاشی بر روی کاشی و سرامیک و استفاده مسلمانان از مواد شیمیایی برای جلا دادن به فلزات و کاشی‌ها، سرامیک‌های مینایی با تصاویر حیوانات و گیاهان یا نوشتن اشعار بر روی آنها، ساخت کوزه، کاسه، گلدان و آبخوری و اشیای زینتی برای منزل، تهیه تصاویر آرایسکی که مخلوطی از شکل‌های منظم هندسی و شاخ و برگ گیاهان بود، به کار بردن ترکیبی از اشکال هندسی در معماری اسلامی برای مثال گنبد مدرسه ریاضیات و نجوم کاراتای در کنیا و حرام بودن مجسمه‌سازی سخن می‌گوید. سپس به تاریخ سیر تکامل خط کوفی می‌پردازد و به نگارش آیات قرآن روی سرامیک یا کنده‌کاری آنها روی چوب، هنر خوشنویسی، کاشی کاری، هنرهای دستی، فرش بافی، گلیم بافی، پارچه بافی، قلاب بافی، روش ساختن ابریشم و نخ رنگی، شیشه‌سازی و کاربرد آن در مساجد و عمارات، موسیقی و آلات موسیقی شرقی اشاره می‌کند.

می‌دهد. وی به آدابی چون اذان خواندن به گوش کودک، تراشیدن موی سر او و قربانی کردن گوسفند و نامگذاری کودک با اسامی اسلامی اشاره می‌کند. وی این اسامی و القاب اسلامی را معنا می‌کند. سپس درباره قوانین ازدواج در اسلام، تعدد زوجات و شرایط آن، مقررات طلاق و حق زنان در قوانین طلاق، قوانین ازدواج در اسلام، «متعّه» یا ازدواج موقت و حق زن در این نوع ازدواج، تحصیل و شغل زنان در کشورهای اسلامی توضیحاتی می‌دهد. وی همچنین به آداب خوردن و آشامیدن، خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های حلال و حرام و برده‌داری در اسلام اشاره می‌کند. سپس نویسنده به ارزش ماه‌های اسلامی، اهمیت دادن مسلمانان به جشن‌های مذهبی خود مثل تولد پیامبر اسلام (ص)، عید قربان، مبعث، عید فطر، اعیاد مذهب شیعه مثل عید غدیر، تولد حضرت علی (ع) و تولد امامان دیگر، عزاداری شیعیان در ماه محرم و صفر، مراسم تدفین مسلمانان و نماز خواندن برای میت، مجالس ختم و چهلم و سال و قرائت قرآن برای آموزش متوفی اشاره می‌کند.

فصل چهاردهم: تأثیر فرهنگ اسلام در اروپا

نویسنده در این فصل با بررسی لغات عربی وارد شده به زبان‌های اروپایی، تأثیر فرهنگ اسلام را در اروپا مطرح می‌سازد و در این باره به واژه‌هایی چون کیمیا، الکل، پیژاما، الحمراء، قهوه (kaffee) زوفاد (نوعی صندلی)، زعفران، یاسمن، زینت، شیمی، جبر و الگوریتم اشاره می‌کند.

وی سپس از انتقال اساس علوم طبیعی از کشورهای اسلامی به اروپا، آثار رازی درباره حصه و آبله و قانون ابن سینا در طب تا اوایل قرن هفدهم در اروپا، حضور پزشکان مسلمان در دربار حکمرانان مسیحی در قرون وسطا، تأثیر ریاضیات و جبر و نجوم اسلامی در علوم جدید و نفوذ معماری اسلامی در سبک‌های معماری اروپا سخن می‌گوید. شرق‌شناس و اسلام‌شناس آلمانی، هردر، در مقاله «پیشرفت بشریت»، هر قدم از پیشرفت بشریت را نتیجه الگوبرداری نامحسوس از فرهنگ مسلمانان می‌داند و گوته شاعر بلندآوازه اروپا به شدت تحت تأثیر حافظ و اشعار وی بود.

تأثیر ادبیات اسلامی بر ادبیات اروپا مطلب بعدی این فصل است. آثار ابن حزم، فیلسوف الهی اسپانیایی بر ادبیات شعری اروپا تأثیر گذاشت و عرفان اروپایی نیز از هنرمندانی که از بغداد به اسپانیا آمدند نفوذ پذیرفت. شهر تولدو مرکز تبادلات فرهنگی اسپانیا بود که در آنجا آثار اسلامی به زبان لاتین برگردانده می‌شد. به این وسیله اروپایی‌ها توانستند به منابع یونانی که در اروپا موجود نبود، دسترسی پیدا کنند. با کمک مسلمانان، آثار ارسطو در اروپا دوباره رونق یافت و فلاسفه اروپایی از استدلال‌های فلسفی غزالی در رد استدلال‌های ابن رشد که مفسر آثار ارسطو بود، استفاده کردند.

نویسنده در پایان این فصل به آثار ادبی شرقی ایرانی و هندی اشاره می‌کند که تأثیر به سزایی در ادبیات اروپایی داشتند. آثار فلسفی و عرفان اسلامی نیز تأثیر عمیقی در عرفان و فلسفه آن دوران داشت. رامون اول